

آینده پژوهی

آرزو بخشنده، رمضان جهانیان

دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج
عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

چکیده

انسان همواره تلاش کرده است تا در حد تشخیص و توان خود برای نسلهای بعدی میراثی را بر جایگذارد که تا جای ممکن آینده اش را تأمین کند. بدین ترتیب، شاید بتوان توجه همیشگی آدمی به کسب، ذخیره و به میراث گذاشتن عواملی همچون ثروت، قدرت، منابع فیزیکی، دانش و فناوری را از این دیدگاه توجیه کرد. آینده پژوهی از مباحثی است که می توان آن را در زمره اصلی ترین دغدغه های دولتمردان، اندیشمندان و البته، پژوهشگران در دهه های اخیر تلقی کرد. آینده پژوهی در پی شناسایی، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده های ممکن و محتمل است تا بر پایه ی ارزش های جامعه، آینده های مرجح را انتخاب و برای پی ریزی ساخت مطلوب ترین آینده، کمک کند. در این میان بخشی از حوزه مطالعات آینده در دانشگاهها به آینده پژوهی اختصاص یافته است.

کلمات کلیدی: آینده پژوهی، مطالعات آینده، آینده نگاری دانشگاهی

۱-مقدمه

پژوهش به خودی خود، یکی از اصلی ترین راهبردها برای توسعه علم در حوزه های مختلف شناخته می شود با این وجود، روش های پژوهشی نیز به نوبه خود در طول زما دستخوش تغییر، توسعه و تکامل بوده اند. این رشد و توسعه روش های پژوهشی در طول یک قرن اخیر، بیش از هر عامل دیگری متأثر از مکاتب مختلف علم شناسی بود (حسینی، ۱۳۸۹؛ زارعیان و ستارزاده، ۱۳۹۰).

سناریو پردازی، تحلیل روندهای کمی، تحلیل روندهای کیفی، روش دلفی و شبیه سازی را می توان از جمله مطرح ترین فنون آینده پژوهی دانست که بیشترین توجه پژوهشگران را در دهه های اخیر به خود جلب نموده اند (بیدختی و نامنی، ۱۳۹۴). آینده پژوهی، مشتمل بر مجموعه تلاش هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده های بالقوه و برنامه ریزی برای آنها می پردازد. آینده پژوهی منعکس می کند که چگونه از دل تغییرات (یا تغییر نکردن) «امروز»، واقعیت «فردا» تولد می یابد.

آینده پژوهی معادل لغت لاتین «Futures Study» است. کلمه جمع Futures به این دلیل استفاده شده است که با بهره گیری از طیف وسیعی از متدلوژی ها و بجای تصور «فقط یک آینده»، به گمانه زنی های سیستماتیک و خردروانه، در مورد نه فقط «یک آینده» بلکه «چندین آینده متصور» مبادرت می شود (بدالهی، نجفی برنا و مرادی، ۱۳۹۵).

موضوعات آینده پژوهی دربرگیرنده گونه‌های «ممکن»، «محتمل» و «مطلوب» برای دگرگونی از حال به آینده می‌باشند. امروزه مطالعات مربوط به آینده تحت عناوین مختلفی مانند آینده پژوهی^۱، مطالعات آینده^۲، آینده اندیشی^۳ و آینده نگاری^۴ پیگیری می‌شوند توافق کاملی میان متخصصان در مورد مناسب ترین واژه که بتواند به عنوان نام این رشته مطالعاتی معرفی شود، وجود ندارد (بل^۵، ۱۹۹۶). هدف از این پژوهش طراحی الگوی آینده پژوهی می‌باشد.

۲- پیشینه نظری پژوهش

اشتیاق بشر برای دانستن درباره آینده از عهد باستان وجود داشته است. پیشگویان و کاهنان نمونه هایی از کسانی هستند که در گذشته تلاش داشتند تا به نحوی به اشتیاق پاسخ دهند (گودرزی و محمدی، ۱۳۹۲). نخستین فعالیت آینده پژوهی در قالب یک تحلیل علمی، در سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ گروهی از محققان به سرپرستی آگبرن، در زمینه جامعه شناسی در آمریکا انجام شد. پس از آن یک استاد آلمانی به نام او سیپ از اواسط دهه ۱۹۴۰ اصطلاح آینده شناسی را باب کرد که به معنای مطالعه آینده و در نظر گرفتن احتمالات پیش رو بود. (تیشه یار، ۱۳۹۰).

همچنین در سال ۱۹۴۸، پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال تجزیه و تحلیل فناوری های مورد استفاده در آلمان و ژاپن، آینده پژوهی به دلیل یک ضرورت نظامی در موسسه راند در آمریکا مطرح شد (گودرزی و محمدی ۱۳۹۲).

رشته آینده پژوهی مدرن در سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ با انتشار کتاب تصویر آینده نوشته پولاک، در سال ۱۹۵۱ و کتاب هنر حدس زدن نوشته وتل در سال ۱۹۶۴ به طور رسمی شناخته شد و پس از آن به مرور زمان، مراکز تحقیقاتی و مؤسسات بین المللی آینده نگاری تأسیس یافت و شاخه های مختلف این رشته علمی گسترش یافت (اسلاتر، ۱۳۸۵).

آینده نگاری در سطح ملی با فعالیت ژاپنی ها در دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز گردید. در دهه ۱۹۹۰ شرایط جهانی به گونه ای تغییر یافته بود که استفاده از آینده نگاری برای بازیگران ملی تبدیل به یک اجبار می کرد. در خصوص آینده پژوهی در ایران نیز می توان گفت؛ این علم در ایران دانشی نوپا محسوب می شود که امروزه بیشتر در دو واژه پیش بینی و مدیریت استراتژیک فعال است. ضمن اینکه اولین موسسه آینده نگری در ایران نیز تحت نظر سازمان صنایع دفاعی تشکیل شده است که به صورت تخصصی به موضوع آینده نگری می پردازد (گودرزی، ۱۳۸۶).

از جمله مهم ترین روش های آینده پژوهی می توان به پویای محیطی، تحلیل تأثیرات متقابل، تحلیل تصمیم، مدل های تصمیم گیری، دلفی، اقتصادسنجی، حلقه آینده ها، بازی سازی و شبیه سازی، پیش بینی هوشمندانه و شهود تحلیل ریخت شناسی، روش های مشارکتی، درخت های وابستگی سناریوهای مدل سازی آماری، پویایی های سیستمه تحلیل ساختاری، تحلیل زنجیره فناوری، پیش بینی های سری های زمانی، تحلیل و تأثیر روند تحلیل لایه ای علت ها، مدل سازی عاملی، کاهش ناهمسانی زمینه ای، نگاهت مسیر و متن کاوی اشاره کرد (کراویج و اسلاگتر^۶، ۲۰۱۰).

بعد از جنگ جهانی دوم مؤسسه رند در ایالات متحده، مؤسسه داتار در فرانسه و از دهه ۷۰ مؤسسات خصوصی مانند شل^۷ به روشهای مختلف مطالعات آینده و بررسی پیشرانها و بازدارنده ها روی آوردند (مانک و مک کونل^۷، ۲۰۰۹).

¹ .Future research

² .Future studies

³ .Future thinking

⁴ .Foresight

⁵ .Bell

⁶ Krawczyk & Slaughter

⁷ Munck & McConnell

دانشگاههای پیشرو جهان تجارب خوبی در زمینه استفاده از آینده پژوهی در برنامه ریزیهای خود دارند. نمونه آن سناریونگاری در دانشگاه دوبلین در دو بخش سناریوهای محیطی و سناریوهای برنامه دانشگاهی به شرح نمودار ۱ است. همان طور که ملاحظه می شود، ذینفعان در یک طرف قضیه به صورت دولت، اجتماع و شهروندان و در طرف دیگر، از طریق بازار، فرد و مشتریان عمل می کنند و بر حسب تقاطع آنها چهار مؤلفه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شکل می گیرد. برحسب دو عامل تحرک و باز بودن دانشگاه دو سناریو تعریف شده است: در اولی که بیشتر طرف دولت، اجتماع و شهروندان است (داتور^۱، ۲۰۰۲).

کانوی^۲ (۲۰۰۱) طی آینده نگاری برای دانشگاه فنی سوئد استرالیا بر چند رهیافت زیر تأکید کرده است:

۱. آینده نگاری باید در نظام خط مشی گذاری و تصمیم گیری آموزش عالی و دانشگاه به صورت یکپارچه نهادی بشود.
 ۲. باید در دانشگاه برای آینده نگاری ظرفیت سازیهای لازم صورت گیرد
 ۳. بدون مشارکت و درگیری اعضای هیئت علمی و کارکنان در برنامه های دانشگاه، امکان آینده نگاری مطلوب میسر نمی شود
 ۴. نظام اطلاعاتی کار آمد مهم ترین پایسته آینده نگاری دانشگاهی است.
- مرکز تحقیقات آموزشی و نوآوری با حمایت سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (OECD) در سال ۲۰۰۳ تحقیقی درباره سناریوهای آینده دانشگاهی انجام داد که در آن نیروهای پیشران کلیدی و چالشهایی که برای نظامهای آموزش عالی به وجود می آورد، بررسی و توصیف شد که مهم ترین آنها عبارت بودند از: تحولات جمعیت شناختی، میل به مشارکت، تحولات در حوزه حکمرانی، تحول منابع مالی، اقتصاد دانشی و بازیگران جدید در آموزش عالی (CERI^۳، ۲۰۰۶).

۳- ضرورت و اهمیت آینده پژوهی

امروزه تغییرات با نرخ سریعتری بوقوع می پیوندند. تغییرات فناوری و متعاقباً تغییر در دیگر جنبه های زندگی، افزایش روز افزون وابستگی متقابل کشورها و ملل، تمرکز زدایی جوامع و نهادهای موجود که بدلیل گسترش فناوری اطلاعات شتاب بیشتری یافته است، تمایل روزافزون به جهانی شدن به همراه حفظ ویژگیهای ملی، قومی و فرهنگی و بسیاری عوامل دیگر، لزوم درک بهتر از "تغییرات" و "آینده" را برای دولتها، کسب و کارها، سازمانها و مردم ایجاب می کند (عباسی و ثقفی، ۱۳۸۹).

آینده اساساً قرین به عدم قطعیت است. با این همه آثار و رگه هایی از اطلاعات و واقعیات که ریشه در گذشته و حال دارند، می توانند رهنمون ما به آینده باشند. ادامه «تصمیم گیری صرفاً چندین آینده محتمل بر اساس تجارب گذشته»، غفلت از رصد تغییرات آتی را در پی خواهد داشت و با تلخکامی روبرو خواهد شد. عدم قطعیت نهفته در آینده برای بعضی، توجیه کننده عدم دور اندیشی آنان است و برای عده ای دیگر منبعی گرانبها از فرصت ها (واعظی، قمیان و وقفی، ۱۳۹۶)

تفکر درباره ی آینده برای کارها و اقدامات کنونی انسان امری ضروری است. واکنش بدون تفکر به آینده امکان پذیر است، اما کنش امکان پذیر نیست، چرا که عمل نیاز به پیش بینی دارد. بدین ترتیب، تصویرهای آینده (آرمان ها، اهداف، مقاصد، امیدها، نگرانی ها و آرزوها) پیشران های اقدامات فعلی ما هستند. بنابراین آینده امری است که مردم می توانند آن را با اقدامات هدفمند خود طراحی کرده و شکل دهند. مردم برای آنکه عاقلانه عمل کنند، بایستی نسبت به پیامدهای اقدامات خود و دیگران آگاهی و شناخت کافی داشته باشند. همچنین واکنش های دیگران و نیروهایی را که خارج از کنترل آنهاست بررسی کنند. این پیامدها تنها در آینده خود را نشان می دهد. بدین ترتیب، افراد نه تنها می کوشند امور در حال وقوع را بفهمند، بلکه می کوشند اموری را که شاید اتفاق بیفتد یا بالقوه امکان وقوع دارد و یا تحت شرایط خاصی در آینده اتفاق خواهد افتاد، نیز بشناسند. افراد با استفاده از این شناخت حدسی موقعیت کنونی خود را تشخیص داده، کارهایشان را دنبال کرده، از بستر زمان و فضای مادی و اجتماعی می گذرند (ناصرآبادی، ۱۳۷۹).

¹ Dator

² Canway

³ Centre for Educational Research and Innovation

سرعت تغییرات آنچنان سرسام‌آور است که دیگر نمی‌توان با روش‌های سنتی با آنها کنار آمد. «اگر با تغییرات همگام نشوید، زیر چرخ عظیم تغییر خرد خواهید شد». اما آیا امکانی برای اطلاع یافتن از آینده برای ما وجود دارد؟ قطعاً در مورد آینده هیچ چیز یقینی وجود ندارد و این از اصول اولیه آینده‌شناسی است. اما اصل دیگری هم وجود دارد که: انسان می‌تواند در سرنوشت آینده تأثیرگذار باشد. در این میانه دانشی زاده می‌شود که سعی می‌کند با پیش‌بینی عوامل موثر در تغییرات آینده به صورتی دوگانه، هم مهار تغییرات را در دست گیرد و هم جامعه را برای این تغییرات آماده کند. آینده پژوهی فراتر از پیش‌بینی است و ادعای پیش‌گویی هم ندارد. آینده‌پژوهی هنر شکل دادن به آینده‌است، به آن شکل که آینده را می‌خواهیم. کسانی که این دانش را در دست دارند هم‌اکنون هم به آینده جهان به دلخواه و مطلوب خود، شکل می‌دهند. می‌توان کشورها و جوامعی را دید که نتوانستند خود را با تحولات سازگار کنند و از این جهت از هم فروپاشیدند. آنها ذات تغییر را درست نشناختند. آینده‌شناسی از این منظر دانش شناخت تغییرات است. شناخت آینده از حیاتی‌ترین علوم مورد نیاز هر انسانی است (مظفری، ۱۳۸۹).

۴- پیشینه تجربی پژوهش

استفن^۱ (۲۰۱۴)، در مطالعه‌ای که با استفاده از رویکرد تحلیل تم انجام شد، عوامل «میزان دسترسی به امکانات آموزشی»، «شیوه‌های آموزش»، «میزان سرمایه‌گذاری»، «فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی»، «تجربه تغییر و نیازهای اجتماعی» را به عنوان مهم‌ترین عوامل ایجاد آینده مطلوب در حوزه فرهنگی معرفی نمود.

اهرسمان^۲ (۲۰۱۲) در مطالعه خود (که به ارائه مدلی برای آینده پژوهی پدیده‌های پیچیده متمرکز بود)، دریافت که مهم‌ترین عوامل موثر بر سناریو نویسی برای آینده این پدیده‌ها عبارت‌اند از: میزان انعطاف، امکان تجربه‌پذیری و میزان نوسانات ذاتی پدیده. روبرگ^۳ (۲۰۱۲)، به بررسی میزان استفاده از آینده پژوهی در نظام مدیریتی کشور کانادا پرداخته است. نتایج مطالعه او نشان داد علی‌رغم وجود ظرفیت‌های قابل‌اتکا در آینده پژوهی و تاثراتی که می‌تواند بر مدیریت داشته باشد، میزان استفاده از این علم در نظام مدیریتی کانادا، چندان قابل‌توجه نیست. وی معتقد است اساساً میزان بهره‌مندی از آینده پژوهی در نظام‌های مدیریتی در سراسر جهان (بنابه دلایل متعدد از جمله تعاملات پیچیده نظام‌های مدیریتی با نظام‌های سیاسی)، چندان برجسته نبوده و تحقیق‌وی از معدودترین تحقیقات در این حوزه است.

بلاس و همکارانش^۴ (۲۰۱۱)، در پژوهشی، سناریوهای ممکن را برای آینده اجتماعی منطقه میدلند در انگلیس، شناسایی کردند. روش پژوهش آنان، مصاحبه عمیق با کارفرمایان و رهبران محلی و همچنین گردآوری داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه‌هایی که بین مردم ساکن در منطقه توزیع شده، بوده است. محتمل‌ترین سناریوی شناسایی شده برای این منطقه، کاهش صنایع تولیدی، رشد اقتصاد دانش‌محور، از بین رفتن مشاغلی که نیاز به مهارت کم دارند و رشد بیکاری ناشی از عدم تناسب مهارت‌ها با مشاغل موجود بوده است بوئر و وسترهجن^۵ (۲۰۰۵)، معتقدند تحقیق و نوشتن در مورد آینده علوم انسانی بسیار دشوار است و در مرحله شروع، متوقف می‌شود. از این رو وی بر این باور است که اساساً چیزی به نام علم آینده پژوهی در این حوزه وجود ندارد.

اسمیت^۶ (۲۰۰۵)، در مقاله خود به این موضوع اشاره که به دلیل پدیده «پیچیدگی»، دلایل رویدادها را نمی‌توان به طور کامل شناخت و این موجب می‌شود تا پیش‌بینی و سناریونویسی عمدتاً به شکست بیانجامد.

¹ Stephen

² Ehresman

³ Roberge

⁴ Blass et al.

⁵ Boer and Westerajen

⁶ Smith

هاینس^۱ (۲۰۰۳) در مقاله خود با مضمون آینده پژوهی، چهار سناریو را برای آینده این رشته در بین علوم مختلف شناسایی کرد: (۱) آینده پژوهی یک علم کاملاً مستقل از دیگر علوم بوده و تقاضا برای استفاده از آن بالا خواهد بود؛ (۲) آینده پژوهی رشته ای مستقل از علوم دیگر نبوده، اما افراد خبره در آینده پژوهی در رشته های مختلف به پیشبرد آن علوم کمک می کنند؛ (۳) آینده پژوهی رشته ای مستقل از علوم دیگر به حساب می آید ولی نقش کاربردی در پیشبرد علوم دیگر ایفا نمی کند؛ و (۴) آینده پژوهی رشته ای مستقل محسوب نمی شود و نیازی هم به آن احساس نمی شود. فو و فو^۲ (۲۰۰۳)، بر این باورند که «عدم اطمینان ها»، مانعی در برنامه ریزی آینده به شمار می روند و آینده پژوهان با استفاده از رویکردهای غیرخطی در پی کاهش عدم اطمینان ها در برآوردهایشان هستند.

دیتور^۳ (۲۰۰۲)، معتقد است تنها با استفاده از دو عامل «ابزار مناسب» و «داده های مناسب» می توانیم در پیش بینی و خلق آینده امیدوار باشیم.

به نظر ماریوتی و باکون^۴ (۲۰۰۰)، تنها راه پژوهش در آینده که در آن آشفتگی حاکم است «شناخت ارکان رفتار» و «بهرهمندی از قدرت نوآوری» برای ایجاد آینده و نیز واکنش به آینده است.

۵- جمع بندی

علوم انسانی یکی از عوامل تاثیر گذار در حوزه آینده پژوهی است، از آنجا که آینده پژوهی یک دانش میان رشته ای است و کاربردهای فراوانی در حوزه های مختلف دارد، بسته به موضوع مورد مطالعه، روش های مطالعاتی و ارزش آینده پژوهی، دارای سطوح متفاوتی است. آینده پژوهی به مثابه علم و فناوری، مورد توجه همه کشورها و ملل قرار گرفته است. باید توجه داشت که بسیاری از تصویرهای آینده چشم اندازهای خلق شده برای صدور به کشورهای در حال توسعه اند. که یا از عهده آینده پژوهی بر نمی آیند و یا ضرورت آن را به منزله یک وظیفه ملی درک نکرده اند. با توجه به اینکه برای آینده پژوهی از فنون متفاوتی می توان استفاده کرد برای چشم اندازی در آینده و به مثابه یک فرصت ملی بسیار کاربردی است. در حال حاضر آینده پژوهی از پهنه وسیعتری نسبت به دوران طلایی ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ برخوردار است. دنیای امروز نسبت به آن سالها آمادگی و صراحت بیشتری برای ملحوظ کردن آینده دارد. بر خلاف آن دوران، آینده پژوهی تنها به عده معدودی از نویسندگان و استادان محدود نمی شود بلکه دنیای کسب و کار، دولتمردان و فرهیختگان همگی در حال بیداری و درک این واقعیت هستند که برای اینکه آینده موفق داشته باشیم باید بر روی آن تمرکز کنیم. بدین ترتیب است که برنامه ریزی استراتژیک بر مبنای چشم اندازها و متکی بر سناریوها، امکانپذیر خواهد بود.

تفکر درباره ی آینده برای کارها و اقدامات کنونی انسان امری ضروری است. واکنش بدون تفکر به آینده امکان پذیر است، اما کنش امکان پذیر نیست، چرا که عمل نیاز به پیش بینی دارد. بدین ترتیب، تصویرهای آینده (آرمان ها، اهداف، مقاصد، امیدها، نگرانی ها و آرزوها) پیشران های اقدامات فعلی ما هستند. بنابراین آینده امری است که مردم می توانند آن را با اقدامات هدفمند خود طراحی کرده و شکل دهند. مردم برای آنکه عاقلانه عمل کنند، بایستی نسبت به پیامدهای اقدامات خود و دیگران آگاهی و شناخت کافی داشته باشند. همچنین واکنش های دیگران و نیروهایی را که خارج از کنترل آنهاست بررسی کنند. این پیامدها تنها در آینده خود را نشان می دهد. بدین ترتیب، افراد نه تنها می کوشند امور در حال وقوع را بفهمند، بلکه می کوشند اموری را که شاید اتفاق بیفتد یا بالقوه امکان وقوع دارد و یا تحت شرایط خاصی در آینده اتفاق خواهد افتاد، نیز بشناسند. افراد با استفاده از این شناخت حدسی موقعیت کنونی خود را تشخیص داده، کارهایشان را دنبال کرده، از بستر زمان و فضای مادی و اجتماعی می گذرند.

¹ Haynes

² Foo & Foo

³ Detour

⁴ Marriotti & Bacon

منابع

۱. اسلاتر، ریچارد. ای (۱۳۸۵). دانش واره آینده پژوهی. ترجمه محمدرضا فرزاد و امیر ناظمی، انتشارات مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی فناوری صنایع دفاعی
۲. بیدختی، علی اکبر امین؛ نامنی، احمد. (۱۳۹۴). ارایه الگویی برای آینده پژوهی های میان مدت در حوزه برنامه ریزی آموزشی . دوفصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی ، دوره ۴ (۸) . ۳۳-۱۱.
۳. تیشه یاره، ماندانا. (۱۳۹۰). آینده پژوهی در مطالعات استراتژیک. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. حسنی، محمد حسین. (۱۳۸۹). درآمدی بر روانشناسی تلفیقی در پژوهش های میان رشته ای علوم اجتماعی، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی ، ۲(۴) ، ۱۵۳-۱۳۷
۵. زارعیان، آرمین؛ ستارزاده، مریم. (۱۳۹۰). رهیافتی در باب چگونگی و ماهیت آینده پژوهی ، مجله دانشکده پرستاری ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۱(۱) ، ۶-۱
۶. عباسی، عطاء الله. (۱۳۸۵). «مفاهیم آینده پژوهی و تأثیرات آن بر سیاست گذاری». نشریه سیاست علم و فناوری شماره ۲ و ۳.
۷. عباسی شاهکوه ، کلثوم ؛ ثقفی، فاطمه . (۱۳۸۹). قابلیت های آینده نگاری در اثربخشی مدیریت نوآوری ، کارآفرینان امیرکبیر . شماره ۶ .
۸. گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۶). تصمیم گیری استراتژیک (مطالعه موردی رویکرد موعودگرایی شیعه). انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۹. مظفری، علی. (۱۳۸۹). آینده پژوهی بستر عبور از مرز دانش ، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی ، سال دوم ، شماره چهارم .
۱۰. ناصر آبادی ، زهرا. (۱۳۷۹). آینده پژوهی ، مرکز مطالعات و برنامه ریزی استراتژیک ، تهران موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع.
۱۱. واعظی، سید کمال ؛ قمیان، محمد مهدی ،وقفی ، سید حسام. (۱۳۹۶). آینده پژوهی در علوم انسانی بارویکرد مدیریت دانش ، ملاحظات ، دستاوردها و اثرات. فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت سازمان دولتی ، دوره ۵ ، ۴۶-۳۱.
۱۲. یدالهی، نرگس؛ نجفی برن، غلامرضا؛ مرادی، مینا. (۱۳۹۵). بررسی و تعیین مولفه های آینده پژوهی جهت طراحی مدل در آموزش های مهارتی . سازمان آموطش فنی و حرفه ای کشور . پنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال.
13. Bell, W & Mau, J.A. (1997). The Sociology of Future ,New York :Russell Sage Foundation .
14. Blass, E. Thoraiton, M. Rawlings, B, (2011). Future scenarios for a depressed region of England", Foresight, 13 (6), 3-17.
15. Boer, M. and Westerajen, H. (2005). " Emancipatory potential of action learning: a critical analysis , Journal of Organizational Change Management, 16(6), 619-32.
16. Centre for Educational Research and Innovation (CERI) .(2006). University Futures Scenarios: Education International s Response.
17. Conway, M.K.(2001).The Swinburne experience: Integrating foresight and strategic planning . Scenario and Strategic planning ,Ark Publishing :LONDON,3(4)12-16.
18. Detour, L. (2002). "Introduction to Future Studies". Fresighir, 3(5), 106-115
19. Ehresman, C. (2012). A theoretical frame for future studies". On the Horizon ,21 (1), 46-53.
20. Foo, C, & Foo, C. (2003). "Forecast ability, chaos and foresight", foresight, 5(5), 22-23.
21. Haynes, S. (2003).Towards A Futuristic Pervasive Computing Reference Architecture: The Vision and Approach. Planning Higher Education. 5(6), 20-29.
22. Krawczyk & Slaughter, R. (2010). New generations of futures methods". Future,42,75-82.

23. Marriotti, R. & Bacon, J. (2000), "Organizational extinction and complex systems", *Emergence*, 1(4), 71-96.
24. Monck, R. & McConnell, J. (2009). University strategic planning and the foresight/ futures approach: An Irish case study. *Planning Higher Education*, 38(1), 31-40.
25. Ruberg, I (2012). Futures construction in public management. *International Journal of Public Sector Management*, 26(7), 534-542.
26. Smith, A. (2005). Complexity theory for organizational futures studies. *Foresight*, 7(3) 22-30.
27. Stephen, R. (2014). Futures beyond Dystopia, Creating Social Foresight. *Journal of Organizational Change Management*, 16(6), 619-32.

بررسی تاثیر ارزش ویژه برند بر تمایل و انگیزه خرید مصرف کنندگان در میان مصرف کنندگان میانسال در شهرستان ساوه

سید مهام الدین طباطبایی^۱، مجید مرادی^۲، زهرا هنری فرد^۳

۱-مدرس موسسه آموزش عالی ناصر خسرو ساوه

۲-عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی ناصر خسرو ساوه

۳-دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گرایش بازاریابی موسسه آموزش عالی ناصر خسرو ساوه

چکیده

در پژوهش حاضر تاثیر مفهوم روانشناختی اجتماع برند شامل انگیزه خرید مصرف کنندگان، تمایل به شرکت در رویدادهای اجتماعی جامعه برند، تمایل به پرداخت حق بیمه برای عضویت در انجمن برند، تمایل خرید مصرف کنندگان، تبلیغ کلامی، تبلیغات برند، کیفیت ادراک شده و ارزش ویژه برند می باشد که تاثیر آنرا بر روی تمایل و انگیزه خرید مصرف کنندگان برند مزمز سنجیدیم. در طی پژوهش پرسشنامه ای طراحی شد و بین ۳۸۴ نفر از مصرف کنندگان شهرستان ساوه پخش شد. در این پژوهش ۶ فرضیه در نظر گرفته شد که تاثیر ارزش ویژه برند بر تمایل و انگیزه خرید مصرف کنندگان سنجیده شد. با توجه به اطلاعات جمع آوری شده از پرسشنامه تاثیر تمام عناصر مفهوم روانشناختی جامعه برند بر تمایل و انگیزه خرید مصرف کنندگان برند مزمز تاثیر گذاشته و تمام فرضیات پذیرفته شده است.

کلید واژه: ارزش ویژه برند، تمایل خرید مصرف کنندگان، انگیزه خرید مصرف کنندگان

۱-مقدمه

مدیران بازاریابی به شکلی فزاینده به اهمیت مشتریان دائمی پی می برند. تحقیقات انجام شده بر روی بیش از ده صنعت نشان می دهد که سودآوری و رشد ماندگار شرکتها بشدت به درصد طرفداری مشتریان از شرکت و یا به هواخواهی یک برند که به شکلی فعالانه باعث ترویج آن برند در میان دیگران می شود، ربط دارد (ریچارد، ۲۰۰۳). مشخصا یافته ها نشان می دهند که گفتار شفاهی، بر تصویر موجود از یک برند و پیش بینی سوددهی و رشد، برتری دارد. مشتریان جدید، اعتبار ادعاهای یک برند را براساس تجربیات و قضاوتهای کاربران قبلی آن برند، ارزیابی می کنند (فلییر، ۲۰۱۵). یک بخش که بخصوص به بازاریابها ربط پیدا می کند و برایشان